

رابطه ادراک از سبک‌های فرزندپروری با ابعاد کمال‌گرایی دانش‌آموزان
دختر شهر بیرجند

The Relationship Between Perceived Parenting Styles and
Dimensions of Perfectionism in Female Students

F. Farazi, M. A. ✉

A. Khamesan, Ph.D.

M. R. Asadi Yoonesi, Ph.D.

فریبا فرازی ✉

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی

دکتر احمد خامسان

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه بیرجند

دکتر محمدرضا اسدی یونسی

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه بیرجند

دریافت مقاله: ۹۱/۹/۱۷

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۷/۲۰

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۰/۲۷

Abstract

One of the factors that predict perfectionism in children education is reported to be families and the way their expectation of children. The aim of the present research is to investigate the role of perceived parenting styles in perfectionism of third grade female students in high school.

✉Corresponding author: Tehran, Islamic Azad University, Science and Research. Faculty of Humanities.

Tel: +9809157258838

Email: farazi.f6691@yahoo.com

چکیده

یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده کمال‌گرایی در فرزندان به شیوه تربیتی خانواده‌ها و سطح انتظاراتی که آن‌ها از فرزندان‌شان دارند برمی‌گردد. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش ادراک از سبک‌های فرزندپروری با ابعاد کمال‌گرایی است. روش پژوهش از نوع همبستگی بود. ۱۶۱ دانش‌آموز دختر به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای از مدارس متوسطه شهر بیرجند انتخاب شدند.

✉نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشکده علوم انسانی

تلفن: ۰۹۱۵۷۲۵۸۸۳۸

پست الکترونیکی: farazi.f6691@yahoo.com

Using a correlational method, 161 students through a multi stage cluster method were selected. Scales of perception of parenting styles (POPS), and dimensions of perfectionism (MPS) were applied to evaluate the research variables. The results of the regression analysis showed that among parenting styles, mother's involvement and warmth have a significant negative relationship with socially prescribed perfectionism. As a result of warmer relations of mother and child and mother's involvement in children's various activities may reduce socially prescribed perfectionism. It seems that the involvement style and warmth of the mothers would play an important role in prediction of socially prescribed perfectionism.

Keywords: Parenting Styles, Parental Expectations, Dimensions of Perfectionism.

از مقیاس‌های ادراک شیوه فرزندپروری والدین (POPS) و ابعاد کمال‌گرایی (MPS) برای سنجش متغیرهای پژوهش استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان دادند که از میان سبک‌های فرزندپروری تنها درگیری و گرمی مادر رابطه منفی معناداری با کمال‌گرایی جامعه‌مدار دارند. در نتیجه گرم‌تر شدن روابط مادر با فرزند و همچنین درگیر شدن مادر در فعالیت‌های مختلف فرزندان باعث خواهد شد کمال‌گرایی جامعه‌مدار در آن‌ها کاهش یابد. لذا سبک درگیری و گرمی مادر نقش مهمی در پیش‌بینی کمال‌گرایی جامعه‌مدار ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های فرزندپروری، انتظارات والدین، ابعاد کمال‌گرایی

مقدمه

یکی از سازه‌های شخصیتی، کمال‌گرایی^۱ است که نقش مهمی در سازش‌یافتگی افراد ایفا می‌نماید. در گذشته سازه کمال‌گرایی مورد توجه نظریه‌پردازان بزرگی همچون فروید، آدلر و مازلو بوده است (نوردبی و هال^۲، ۱۹۷۴) و در دهه‌های اخیر نیز مورد اقبال پژوهشگران بسیاری قرار گرفته است و هرکدام به فراخور دیدگاه خود تعریف متفاوتی از آن ارائه داده‌اند. با این حال اکثر پژوهشگران، بر این امر که معیارهای بلندمرتبه برای عملکرد، مفهوم محوری کمال‌گرایی است، توافق دارند. پژوهش و نظریه‌پردازی درباره کمال‌گرایی طی دو دهه گذشته روند رو به رشدی داشته است. هم‌اکنون، کمال‌گرایی به عنوان یک سازه چندبعدی در نظر گرفته می‌شود که این ابعاد می‌توانند از نظر همبستگی و نتایج، تفاوت زیادی با یکدیگر داشته باشند (فلت، بلنکستین و هویت^۳، ۲۰۰۹). گرچه

نویسندگان تمایل دارند در ابتدا بر جوانب منفی و مخرب سازه کمال‌گرایی تأکید کنند، اما اخیراً علاقه زیادی به توجه بر ابعاد مثبت و سازگار آن شکل گرفته است (فلت و هویت، ۲۰۰۶).

تقسیم‌بندی‌های متعددی از کمال‌گرایی در قالب تک‌بعدی (برنز^۴، ۱۹۸۰)؛ دوبعدی (هماچک^۵، ۱۹۷۸ و تری‌شورت^۶ و همکاران، ۱۹۹۵)؛ سه‌بعدی (هویت و فلت^۷، ۱۹۹۱) و شش‌بعدی (فروست^۸ و همکاران، ۱۹۹۰)، شده است (در نقل از علیزاده‌صحرائی، خسروی و بشارت، ۱۳۸۹). طبق تقسیم‌بندی سه‌بعدی هویت و فلت (۱۹۹۱ الف، ۱۹۹۱ ب)، کمال‌گرایی خویشتن‌مدار^۹ با تمایل به وضع معیارهای غیرواقع‌بینانه برای خود و تمرکز بر نقص‌ها و شکست‌ها در عملکرد همراه با خودنظارت‌گری‌های دقیق مشخص می‌شود؛ کمال‌گرایی دیگرمدار^{۱۰} بیانگر تمایل به داشتن انتظارات افراطی و ارزشیابی انتقادی از دیگران است و کمال‌گرایی جامعه‌مدار^{۱۱} به احساس ضرورت رعایت معیارها و برآورده ساختن انتظارات تجویز شده از سوی افراد مهم به منظور کسب تأیید اطلاق می‌شود.

یافته‌های پژوهشی در زمینه بررسی ابعاد سه‌گانه کمال‌گرایی، همبستگی این سازه را با ویژگی‌های شخصیتی، رفتاری و مشکلات روان‌شناختی تأیید کرده‌اند. کمال‌گرایی خودمدار با مشخصه‌های خودشیفتگی، خودسرزنش‌گری، خودانتقادگری، احساس گناه، سهل‌انگاری و تعلل در انجام دادن کارها، افسردگی و نوززگرایی در ارتباط است. کمال‌گرایی دیگرمدار با مشخصه‌های منفی، از جمله دیگر سرزنش‌گری، اقتدارگرایی و سلطه‌جویی، ویژگی‌های شخصیت نمایشی، خودشیفته و ضداجتماعی همبستگی دارد. کمال‌گرایی جامعه‌مدار نیز با نیاز به تأیید دیگران، ترس از ارزشیابی منفی، منبع کنترل بیرونی، بیش‌تعمیم‌دهی، شکست، افسردگی و اضطراب مرتبط است (بشارت، ۱۳۸۳). هویت، کلاین، فلت، شری، کالینز و فلین^{۱۲} (۲۰۰۲)، در پژوهش خود نشان دادند کمال‌گرایی خویشتن‌مدار رابطه معناداری با افسردگی و اضطراب دارد، در حالی که کمال‌گرایی جامعه‌مدار رابطه معناداری با افسردگی، اضطراب، استرس اجتماعی و سرکوب خشم دارد. همچنین، نتایج پژوهش وینر و کارتن^{۱۳} (۲۰۱۲)، نشان‌دهنده رابطه عکس میان کمال‌گرایی مثبت با اضطراب امتحان و مقابله اجتنابی میانجی‌گر رابطه بین کمال‌گرایی منفی با اضطراب امتحان می‌باشد.

بسیاری از محققان بر نقش خانواده و محیط اجتماعی در ایجاد و رشد کمال‌گرایی در فرزندان اتفاق نظر و اعتقاد دارند که کمال‌گرایی ریشه در تجربه‌های دوران کودکی به‌خصوص رابطه والد - کودک دارد (انس، کوکس و کلارا^{۱۴}، ۲۰۰۲). این محققان کمال‌گرایی را یک سبک بین‌شخصی شخصیت می‌دانند که در واکنش به تعامل با مراقبین به وجود می‌آید. از جمله ویژگی‌های خانواده که در رشد کودکان در جنبه‌های متفاوت مؤثر است، می‌توان سبک‌های فرزندپروری^{۱۵} را نام برد. از نظر کوپلن، هاستینگز، لاگاس، سیگوین و مولتن^{۱۶} (۲۰۰۲)، سبک‌های فرزندپروری الگوهای استاندارد تربیت فرزند هستند که با آداب و پاسخ‌های معین والدین به رفتارهای فرزندان مشخص می‌شود. در مطالعه‌ای که بشارت، عزیزی و پورشریفی (۲۰۱۱)، انجام دادند نتایج نشان داد که سبک

فرزندپروری آمرانه پدر با کمال‌گرایی خودمدار، دیگرمدار و جامعه‌مدار فرزندان رابطه دارد، هم‌چنین سبک اقتداری مادر، کمال‌گرایی دیگرمدار فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. نتایج پژوهش میلر، لامبرت و اسپیرس نومیستر^{۱۷} (۲۰۱۲)، نشان داد بین سبک فرزندپروری مستبدانه و کمال‌گرایی جامعه‌مدار رابطه آماری معناداری وجود دارد.

سبک فرزندپروری مورد تأکید در این پژوهش مبتنی بر نظریه خودتعیین‌گری^{۱۸} است که شامل سه مؤلفه درگیری^{۱۹}، حمایت از خودمختاری^{۲۰} و گرمی^{۲۱} می‌باشد و هر کدام به‌ترتیب به درجه‌ای که والدین به فعالیت‌های زندگی کودک علاقه دارند و برای انجام آن وارد عمل می‌شوند؛ برای تشویق کودکان در حل مسئله و شرکت در تصمیم‌گیری تکنیک‌هایی را به کار می‌برند (گروولیک و رایان^{۲۲}، ۱۹۸۹)؛ در ارتباط با فرزندان خود حساس، استوار و صمیمی هستند (لانگ، چانگ و لای^{۲۳}، ۲۰۰۴)، اشاره دارد. در پژوهش تنهای‌رشوانلو و حجازی (۱۳۹۰)، نتایج نشان داد که وقتی والدین حامی خودمختاری، درگیر و گرم هستند، فرزندان‌شان سطوح بالایی از عزت‌نفس را نشان خواهند داد. با توجه به پیشینه پژوهش، از آنجایی که مطالعات انجام شده در داخل کشور کمتر بر الگوی فرزندپروری رایان و دسی^{۲۴} (الف ۲۰۰۰، ب ۲۰۰۰) تمرکز یافته و بیشتر از الگوی فرزندپروری بامریند استفاده نموده‌اند، بر این اساس انجام پژوهشی که با استفاده از نظریه خودتعیین‌گری، به بررسی توأمان رابطه ادراک از سبک فرزندپروری پدر و مادر با ابعاد کمال‌گرایی پردازد لازم و ضروری می‌نماید. هم‌چنین به لحاظ این‌که دختران از نظر روابط فرزندپروری به نسبت پسران تحت تأثیر بیشتری قرار می‌گیرند، پژوهش حاضر با هدف نیل به چنین مقصودی به اجرا درآمده و به بررسی سهم هر یک از سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر بر اساس نظریه خودتعیین‌گری در پیش‌بینی ابعاد کمال‌گرایی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی پرداخته است. با توجه به هدف مذکور، فرضیه‌های پژوهش به عبارت زیر هستند:

- بین سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی خودمدار رابطه منفی معناداری وجود دارد.
- بین سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی دیگرمدار رابطه منفی معناداری وجود دارد.
- بین سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی جامعه‌مدار رابطه منفی معناداری وجود دارد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه شهر بیرجند بودند که مطابق با آمار گرفته شده از آموزش و پرورش ۴۴۸۱ دانش‌آموز می‌باشند. تعداد ۲۰۰ دانش‌آموز به عنوان نمونه با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. این حجم نمونه بر اساس نمونه‌های پژوهشی مشابه (گنجی و حسینی،

۱۳۸۹؛ مقیمیان، سلمانی و آذربیزین، ۱۳۹۰؛ بهرامی‌احسان و اسلمی، ۱۳۸۸)، انتخاب شدند، ضمن این‌که در تحقیقات همبستگی برای هر متغیر ۳۰ آزمودنی کفایت می‌کند (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۹). برای هر رشته ریاضی، تجربی و انسانی تعداد ۶۷ آزمودنی و برای هر رشته در هر مدرسه تعداد ۱۲ آزمودنی در نظر گرفته شد. برای اجرا نیز در ابتدا از بین مدارس عادی به استثناء مدارس خاص و هنرستان تعداد ۶ دبیرستان، به صورت تصادفی انتخاب شد. در این مدارس چون از هر رشته تنها یک کلاس وجود داشت، بنابراین امکان انتخاب از بین کلاس‌ها وجود نداشت و چون رشته ریاضی فقط در سه مدرسه از این ۶ مدرسه بود، بین تمام افراد حاضر در کلاس پرسش‌نامه توزیع شد. دانش‌آموزان دو رشته دیگر نیز به صورت تصادفی انتخاب و پرسش‌نامه بین آن‌ها توزیع شد. از آنجایی که رشته ریاضی تنها در سه مدرسه از ۶ مدرسه منتخب وجود داشت و هم‌چنین تعداد ۱۲ پرسش‌نامه به دلیل پاسخ ناقص از تحلیل آماری کنار گذاشته شدند، بر این اساس حجم نمونه به ۱۶۱ نفر کاهش پیدا کرد. در پایان پس از جمع‌آوری داده‌ها، گروه نمونه از لحاظ رشته‌های تحصیلی (انسانی، تجربی و ریاضی) هر کدام به ترتیب ۳۸/۵، ۳۷/۳ و ۲۴/۲ درصد؛ از لحاظ شغل پدر (آزاد، کشاورز و دامدار، فرهنگی، کارمند، بازنشسته و سایر) هر کدام به ترتیب ۴۶، ۱۱/۸، ۵، ۱۵/۵، ۱۲/۴ و ۹/۳ درصد؛ از لحاظ شغل مادر (خاندار و شاغل) هر کدام به ترتیب ۹۱/۹ و ۸/۱ درصد؛ از لحاظ سطح تحصیلات (بی‌سواد و کم‌سواد، ابتدایی و راهنمایی، متوسطه و دانشگاهی) برای پدر به ترتیب ۱۳، ۴۲/۹، ۲۱/۱ و ۲۳ درصد و برای مادر هر کدام به ترتیب ۱۰/۶، ۵۶/۵، ۲۲/۴ و ۱۰/۶ درصد را به خود اختصاص دادند.

ابزار اندازه‌گیری

در پژوهش حاضر برای سنجش متغیرهای پژوهش از دو مقیاس (مقیاس ادراک شیوه والدین و مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی)، به عنوان ابزارهای پژوهش استفاده شده است:

مقیاس ادراک شیوه والدین^{۲۵} (POPS): در سال ۱۹۹۴ توسط آر.جی رابینز^{۲۶} و بر اساس نظریه خودتعیین‌گری تدوین شده است. نسخه کالج این مقیاس شامل ۴۲ گویه می‌باشد. در روایی که تنهای رشوانلو (۱۳۹۰)، برای این مقیاس انجام داد، گویه‌های نامناسب ۶، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۷ و ۳۶ به علت قدرت تشخیص بسیار ضعیف حذف شدند. نسخه کنونی این مقیاس را ۳۰ گویه با لیکرت ۷ درجه‌ای از «در مورد من اصلاً درست نیست تا در مورد من کاملاً درست است» تشکیل می‌دهد. شیوه نمره‌گذاری برخی از سؤالات (۲، ۸، ۹، ۱۳، ۱۵، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۹ و ۳۰)، به صورت معکوس می‌باشد. دامنه نمرات نیز بین ۳۰ تا ۲۱۰ می‌باشد. در پژوهش تنهای رشوانلو و حجازی (۱۳۹۰)، ضرایب آلفای کرونباخ از ۰/۶۳ تا ۰/۸۱ برای کل نمونه؛ ۰/۶۲ تا ۰/۸۵ برای دختران و ۰/۶۵ تا ۰/۸۰ برای پسران به دست آمد. در پژوهش حاضر به منظور سنجش اعتبار و پایایی پرسش‌نامه

مذکور از آلفای کرونباخ استفاده شد و سؤالات نامناسب (۳، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۳، ۲۸، ۲۹ و ۳۰) از طریق همین شاخص حذف شدند. آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۶ و برای خرده‌مقیاس‌ها (درگیری مادر، حمایت مادر از خودمختاری، گرمی مادر، درگیری پدر، حمایت پدر از خودمختاری و گرمی پدر)، به ترتیب ۰/۵۳، ۰/۷۲، ۰/۸۱، ۰/۲۶، ۰/۵۰ و ۰/۸۳ به دست آمد. مؤلفه درگیری پدر نیز به دلیل آلفای کرونباخ بسیار پایین (۰/۲۶) از تحلیل آماری کنار گذاشته شد. برای تعیین روایی پرسش‌نامه (۲۱ سؤالی) از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. در پایان، تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین^{۲۷} مقیاس ادراک شیوه والدین به صورت ۵ عامل به دست آمد. شاخص KMO در پژوهش حاضر ۰/۸۶ و آزمون بارتلت معنادار شد. لذا تحلیل عاملی توجیه‌پذیر می‌شود.

مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی^{۲۸} (MPS): ابعاد کمال‌گرایی آزمودنی‌ها در این پژوهش با استفاده از مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی (فروست و همکاران، ۱۹۹۰، ۱۹۹۳، هویت و فلت، b ۱۹۹۱؛ در نقل از عبدخدایی، مهram و ایزانلو، ۱۳۹۰)، سنجش شد. این مقیاس توسط بشارت در سال ۱۳۸۴ به صورت فرم ایرانی درآمده است که در این پژوهش از فرم ایرانی آن استفاده شده است. این مقیاس یک آزمون ۳۰ سؤالی است و سه بعد کمال‌گرایی خویش‌نمدار، دیگرمدار و جامعه‌مدار را می‌سنجد. ۱۰ ماده هر یک از سه زیرمقیاس آزمون، مشخصه‌های کمال‌گرایی را در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از «کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم»، از نمره ۱۰ تا ۵۰ اندازه‌گیری می‌کنند. در اعتباریابی مقدماتی فرم ایرانی این مقیاس در مورد یک نمونه دانشجویی که توسط بشارت در سال ۱۳۸۴ انجام شد، آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس کمال‌گرایی خویش‌نمدار ۰/۹۲، کمال‌گرایی دیگرمدار ۰/۸۷ و برای کمال‌گرایی جامعه‌مدار ۰/۸۴ بود که نشانه همسانی درونی بالای مقیاس می‌باشد (بشارت، ۱۳۸۱؛ در نقل از عبدخدایی، مهram و ایزانلو، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر برای تعیین روایی پرسش‌نامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده و سؤالات نامناسب (۱، ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷ و ۲۸) از همین طریق حذف شدند. در پایان، تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین مقیاس چندبعدی کمال‌گرایی به صورت ۳ عامل به دست آمد. شاخص KMO در پژوهش حاضر ۰/۷۷ و آزمون بارتلت معنادار شد، لذا می‌توان به نتایج تحلیل عاملی اطمینان کرد. هم‌چنین به منظور سنجش اعتبار و پایایی پرسش‌نامه مذکور از آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ به دست آمده برای کل مقیاس و همین‌طور زیرمقیاس‌ها (کمال‌گرایی خودمدار، دیگرمدار و جامعه‌مدار)، به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۳، ۰/۶۷ و ۰/۶۹ بود. در پایان، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از رگرسیون روش همزمان (با توجه به عدم وجود پیشینه قبلی در ارتباط با نوع اثر متغیرها و نظر محقق برای بررسی اثر همه متغیرهای ملاک برای بررسی متغیر پیش‌بین) استفاده شده است.

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: آمارهای توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

| SD | میانگین | گرمی پدر | حمایت از خودمختاری پدر | گرمی مادر | حمایت از خودمختاری مادر | درگیری مادر | نام متغیر |
|------|---------|----------|------------------------|-----------|-------------------------|-------------|-----------------------|
| ۰/۸۸ | ۲/۶۸ | -۰/۱۲۳ | -۰/۰۶۸ | -۰/۱۰۵ | ۰/۰۱۶ | -۰/۰۵۶ | کمال‌گرایی خودمدار |
| ۰/۷۶ | ۳/۲۹ | ۰/۰۵۱ | -۰/۰۱۲ | ۰/۰۴۳ | ۰/۱۲۳ | -۰/۲۳۷*** | کمال‌گرایی دیگرمدار |
| ۰/۸۲ | ۳/۲۹ | -۰/۱۱۷ | -۰/۱۸۰° | -۰/۲۶*** | -۰/۰۸۲ | -۰/۱۷۴* | کمال‌گرایی جامعه‌مدار |
| | | ۵/۰۲ | ۳/۷۷ | ۵/۱۷ | ۴/۱۴ | ۲/۷۶ | میانگین |
| | | ۱/۴۳ | ۱/۰۴ | ۱/۴۷ | ۱/۷۲ | ۱/۵۳ | SD |

* $p < .05$, ** $p < .01$, *** $p < .001$

بر اساس نتایج جدول فوق، درگیری مادر با خرده‌مقیاس‌های کمال‌گرایی دیگرمدار ($p < .001$) و کمال‌گرایی جامعه‌مدار ($p < .05$)، همبستگی معکوس دارد. گرمی مادر نیز رابطه منفی معناداری را با کمال‌گرایی جامعه‌مدار نشان داد ($p < .001$). هم‌چنین داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد بین حمایت از خودمختاری پدر و کمال‌گرایی جامعه‌مدار همبستگی معکوس وجود دارد ($p < .05$). با توجه به نتایج ماتریس همبستگی و روابط معنی‌دار، تنها به آزمون فرضیه نهایی پژوهش یعنی «بین سبک‌های فرزندپروری و کمال‌گرایی جامعه‌مدار رابطه منفی معناداری وجود دارد» اکتفا و از تحلیل رگرسیون روش همزمان استفاده شد. جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس و رگرسیون پیش‌بینی کمال‌گرایی جامعه‌مدار را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس و رگرسیون پیش‌بینی کمال‌گرایی جامعه‌مدار

| R ² | R | SIG | F | MSS | DF | SS | مدل | |
|----------------|------|-------|------|------|-----|--------|------------|-----------------------|
| ۰/۱۵ | ۰/۳۹ | ۰/۰۰۱ | ۹/۲۹ | ۵/۴۷ | ۳ | ۱۶/۴۰ | رگرسیون | کمال‌گرایی جامعه‌مدار |
| | | | | ۰/۵۹ | ۱۵۷ | ۹۲/۳۳ | باقی‌مانده | |
| | | | | | ۱۶۰ | ۱۰۸/۷۳ | مجموع | |

بر اساس جدول فوق، نتایج تحلیل واریانس در رگرسیون نشان داد مدل در ارتباط با کمال‌گرایی جامعه‌مدار معنادار است و فرضیه پژوهشگر تأیید می‌شود ($p < .01$) و ($f = 9/29$). مجذور همبستگی نیز نشان می‌دهد سبک‌های فرزندپروری می‌توانند ۱۵ درصد از تغییرات کمال‌گرایی جامعه‌مدار را

تبیین کنند. جدول ۳ ضرایب پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری را در ارتباط با کمال‌گرایی جامعه‌مدار نشان می‌دهد.

جدول ۳: ضرایب پیش‌بینی کمال‌گرایی جامعه‌مدار در ارتباط با نقش سبک‌های فرزندپروری

| SIG | t | ضرایب استاندارد | ضرایب غیر استاندارد | نام متغیر |
|-------|--------|-----------------|---------------------|------------------------|
| | | Beta | B | |
| ۰/۰۰۱ | ۱۴/۹۹۷ | | ۴/۷۸۰ | مقدار ثابت |
| ۰/۰۰۱ | -۳/۵۴۵ | -۰/۲۷ | -۰/۱۵ | درگیری مادر |
| ۰/۰۰۱ | -۳/۹۸۱ | -۰/۳۲ | -۰/۱۸ | گرمی مادر |
| ۰/۱۶ | -۱/۴۲۳ | -۰/۱۱ | -۰/۰۹ | حمایت پدر از خودمختاری |

ضرایب متغیرها در جدول فوق نشان داد، درگیری مادر رابطه معناداری با کمال‌گرایی جامعه‌مدار دارد ($p < ۰/۰۱$) و ($t = ۳/۵۴۵$). ضریب بتای استاندارد برابر $-۰/۲۷$ می‌باشد که نشان‌دهنده سهم متغیر درگیری مادر می‌باشد. علامت منفی نیز نشان‌دهنده رابطه منفی بوده، یعنی هر چه درگیری مادر افزایش یابد، کمال‌گرایی جامعه‌مدار کاهش می‌یابد. علاوه بر این، نتایج جدول فوق نشان داد که گرمی مادر رابطه معناداری با کمال‌گرایی جامعه‌مدار دارد ($p < ۰/۰۱$) و ($t = -۳/۹۸۱$). ضریب بتای استاندارد نیز برابر با $-۰/۳۲$ می‌باشد که نشان‌دهنده سهم متغیر گرمی مادر می‌باشد. علامت منفی نیز نشان‌دهنده رابطه منفی بوده، یعنی هر چه گرمی مادر افزایش یابد کمال‌گرایی جامعه‌مدار کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه ادراک از سبک‌های فرزندپروری با ابعاد کمال‌گرایی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد درگیری و گرمی مادر به طور معناداری کمال‌گرایی جامعه‌مدار را پیش‌بینی می‌کنند. به این صورت که هر چه درگیری و گرمی مادر افزایش پیدا کند، کمال‌گرایی جامعه‌مدار کاهش می‌یابد. نتایج هم‌خوان با یافته‌های تنهای رشوانلو و حجازی (۱۳۹۰)، می‌باشد. نتایج در این پژوهش نشان داد که وقتی والدین حامی خودمختاری، درگیر و گرم هستند، فرزندان‌شان سطوح بالایی از عزت نفس را نشان خواهند داد. در واقع وقتی فردی از عزت نفس بالایی برخوردار باشد، کمال‌گرایی را به صورت منفی تجربه نخواهد کرد که مطابق با آن معیارهای غیر قابل قبول و خارج از توانی را برای خود و برای دیگران تعریف کند و همچنین سعی نمی‌کند خود را مطابق با معیارهای دیگران (اشخاص نزدیک)، که اکثراً خارج از توان فرد هستند، تطبیق دهد؛ به این خاطر که تأیید و

رضایت آن‌ها را به دست آورد، چون عزت نفس در فرد باعث می‌شود فرد منطقی بوده و معیارهای قابل قبول که متناسب با استعدادهايش و قابل دستیابی می‌باشد برای خود و دیگران تعریف می‌کند و سعی می‌کند در مقابل انتظارات دیگران نیز کاملاً منطقی برخورد نماید که این گونه رفتار کردن علاوه بر این که احساس کامل بودن به فرد دست می‌دهد، از عزت نفس بالایی نیز برخوردار می‌شود که هر دوی این‌ها یعنی کمال‌گرایی مثبت و عزت نفس معلول نحوه رفتار کردن و شیوه تربیتی والدین می‌باشد. لذا والدینی که نقاط قوت و ضعف کودکان‌شان را می‌پذیرند و معیارهای روشن و قابل پذیرشی برای آن‌ها در نظر می‌گیرند و برای رسیدن به این معیارها از آن‌ها حمایت می‌کنند، باعث رشد عزت نفس فرزندان‌شان و کاهش کمال‌گرایی جامعه‌مدار می‌شوند.

در واقع وقتی والدین به عنوان الگو و یک منبع قابل اعتماد در فعالیت‌های مختلف فرزندان در منزل درگیر می‌شوند، فرزندان احساس کفایت، شایستگی، امنیت و تعلق داشتن می‌کنند. والدین وقتی در فعالیت‌های فرزندان درگیرند، محدودیت‌هایی را اعمال می‌کنند، تشویق می‌کنند و در مواقعی که فرزندان‌شان با مشکلات اجتماعی، تحصیلی و فردی روبه‌رو می‌شوند، می‌توانند به عنوان راهنمای او عمل کنند. این درگیر شدن نشان می‌دهد که والدین برای کودک ارزش قائلند و به او اهمیت می‌دهند و معیارهایی درخور توان فرزندشان از آن‌ها انتظار دارند، در نتیجه اضطرابی در فرزندان مبنی بر این که معیارها خارج از توان آن‌هاست و توانایی برآورده کردن آن‌ها را ندارند، پیش نمی‌آید و این امر موجب کاهش کمال‌گرایی جامعه‌مدار می‌شود (تنهای رشوانلو و حجازی، ۱۳۸۸).

بنا به عقیده گروولنیک و رایان (۱۹۸۹)، میزان و کیفیت درگیری مادران و پدران با یکدیگر متفاوت است. مادران بیشتر از پدران در تربیت کودکان درگیرند، وقت بیشتری با آنان می‌گذرانند و تعامل بیشتری با آنان برای حل مشکلات‌شان دارند. لذا شناخت کامل‌تری از فرزندان خود دارند و انتظاراتی معقول از آنان دارند. در این پژوهش، درگیری پدر قادر به پیش‌بینی کمال‌گرایی جامعه‌مدار نبود، زیرا پدران وقت کمتری را با فرزندان می‌گذرانند و درگیر شدن آنان در فعالیت‌های تحصیلی اغلب با کنترل و فشار و انتظارات بالا همراه است. کیم و رانر^{۲۹} (۲۰۰۲)، نیز چنین بیان می‌دارند که به علت غیر شاغل بودن غالب مادران در جوامع و فرهنگ‌های سنتی، آنان می‌توانند وقت بیشتری را با فرزندان خود بگذرانند و بر این اساس درگیر شدن آنان در فعالیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان با انگیزش و پیشرفت تحصیلی (تنهای رشوانلو و حجازی، ۱۳۹۱) و به تبع آن کاهش کمال‌گرایی جامعه‌مدار همراه است.

در ارتباط با معنادار شدن رابطه سبک فرزندپروری گرمی مادر با کمال‌گرایی جامعه‌مدار می‌توان به نظر گروولنیک، دسی و رایان (۱۹۹۷)، استناد کرد. از نظر آن‌ها، افراد نیاز دارند به والدین خود احساس تعلق نمایند و در روابط خود با آنان احساس امنیت کنند. بر این اساس والدینی که به

نیازهای فرزندان خود حساس بوده و رفتار گرم و صمیمی توأم با تشویق نسبت به آنان داشته باشند، با ایجاد امنیت خاطر، نیاز به تعلق را در آنان ارضاء خواهند کرد. لذا مادرانی که از این ویژگی برخوردارند، با ایجاد محیطی گرم و صمیمی معیارهایی متناسب با توانمندی‌های فرزند در نظر گرفته، در نتیجه، ویژگی کمال‌گرایی جامعه‌مدار در فرزندان که مطابق با آن باید فرزند برای احساس کامل بودن، تأیید دیگران را با برآورده کردن انتظارات والدین که می‌تواند خارج از توان آن‌ها باشد، به دست آورد، شکل نمی‌گیرد.

با توجه به اهمیت فرزندپروری و نقش آن در رشد همه‌جانبه (جسمی، روانی، عاطفی و...) کودکان و نوجوانان بهتر است توجه بیشتری در این زمینه شود. علی‌الخصوص با توجه به این‌که از نظریه خودتعیین‌گری در رابطه با سبک‌های فرزندپروری که سه بعد مهم درگیر شدن، حمایت از خودمختاری و گرمی پدر و مادر را می‌سنجد، کمتر استفاده شده، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری با تأکید بر این نظریه و لحاظ کردن جنسیت روی گروه‌های سنی مختلف انجام شود و به بررسی دقیق روابط پرداخته شود. همچنین با توجه به ناهنجار بودن سازه کمال‌گرایی و در ارتباط بودن آن با مشکلات روان‌شناختی می‌توان با انجام پژوهش‌های بیشتر در زمینه شناخت عوامل مؤثر در به‌وجود آمدن این سازه مرضی و در پی آن آگاه‌سازی جامعه در پیش‌گیری این امر کوشید. همچنین با در نظر گرفتن این واقعیت که مادران سهم مهمی در امر تربیت فرزندان بر عهده دارند، می‌توان با آموزش سبک‌های فرزندپروری مناسب در راستای نتایج این پژوهش یعنی تشویق کردن آنان به درگیر شدن در فعالیت‌های مختلف فرزندان‌شان و همچنین گرم‌تر کردن روابطشان با فرزندان گام مهمی در سلامت روانی آنان برداشت. به لحاظ محدودیت از آن‌جا که، گروه نمونه پژوهش محدود به دختران پایه سوم مقطع متوسطه بوده، لذا بهتر است در تعمیم نتایج جانب احتیاط را رعایت نمود. همچنین با توجه به این‌که اجرای طرح در یک شهر کوچک با ویژگی‌های فرهنگی سنتی بوده، شاید در شهرهای بزرگ، که ویژگی‌های خاص خود را دارند نتایج متفاوتی به دست آید. همچنین در پژوهش حاضر تنها دانش‌آموزان مدارس دولتی شهری تحت پوشش بوده‌اند و ممکن است در سایر مدارس (نمونه، غیرانتفاعی، مدارس روستایی و...)، نتایج متفاوتی به دست آید.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-------------------------------|--|
| 1. Perfectionism | 16. Coplan, Hastings, Lagace– Seguin & Moulton |
| 2. Nordby & Hall | 17. Miller, Lambert & Speirs Neumeister |
| 3. Flett, Blankstein & Hewitt | 18. Self-Determination Theory |
| 4. Burns | 19. Involvement |
| 5. Hamachek | 20. Autonomy support |
| 6. Terry-Short | 21. Warmth |

7. Hewitt & Flett
8. Frost
9. Self-Oriented Perfectionism
10. Other-Oriented Perfectionism
11. Socially Prescribed Perfectionism
12. Hewitt, Caelian, Flett, Sherry, Collins & Flynn
13. Weiner & Carton
14. Enns, Cox & Clara
15. Parenting styles
22. Grolnick & Ryan
23. Leung, Chang & Lai
24. Ryan & Deci
25. Perception of Parents Scale
26. Robbins
27. Oblimin
28. Multidimensional Perfectionism Scale
29. Kim & Rohner

منابع

- بشارت، م. ع (۱۳۸۳). رابطه کمال‌گرایی و مشکلات بین شخصی، *دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار*، ۱۱، ۷، ۸-۱.
- بهرامی‌احسان، ه و اسلمی، ا (۱۳۸۸). رابطه سازگاری زناشویی و سبک‌های فرزندپروری والدین با سلامت جسمی و روانی فرزندان، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳۹، ۱، ۸۱-۶۳.
- تنهای‌رشوانلو، ف و حجازی، ا (۱۳۹۰). نقش درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی مادر و پدر در انگیزش خودمختار و عملکرد تحصیلی فرزندان، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۸، ۲۹، ۸۲-۶۷.
- تنهای‌رشوانلو، ف و حجازی، ا (۱۳۹۰). درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی پدر و مادر: پیش‌بینی‌کننده‌های عزت نفس نوجوانان، *مجله علوم رفتاری*، ۴ (۵)، ۳۵۰-۳۴۳.
- تنهای‌رشوانلو، ف و حجازی، ا (۱۳۸۸). ارتباط ادراک از سبک فرزندپروری والدین با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی، *دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار*، ۱۶، ۳۹، ۱۴-۱.
- رابینز، آر. جی (۱۹۹۴). *مقیاس ادراک شیوه والدین (POPS)*. ترجمه و رواسازی: فرهاد تنهای‌رشوانلو (۱۳۹۰).
- سرمند، ز؛ بازرگان، ع و حجازی، ا (۱۳۸۹). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه.
- عبدخدایی، س؛ مهram، ب و ایزانلو، ز (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ابعاد کمال‌گرایی و اضطراب امتحان در دانشجویان، *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۱ (۱)، ۵۸-۴۷.
- علیزاده‌صحرایی، ا؛ خسروی، ز و بشارت، م. ع (۱۳۸۹). رابطه باورهای غیرمنطقی با کمال‌گرایی مثبت و منفی در دانش‌آموزان شهرستان نوشهر، *مطالعات روان‌شناختی*، ۱ (۶)، ۲۱-۱.
- گنجی، ط و حسینی، آ. ف (۱۳۸۹). باورهای مذهبی دانشجویان پرستاری کارشناسی و ارتباط آن با میزان اضطراب آنان، *نشریه پرستاری ایران*، ۶۴ (۲۳)، ۵۱-۴۴.
- مقیمیان، م؛ سلمانی، ف و آذربیزین، م (۱۳۹۰). ارتباط اضطراب امتحان و سلامت معنوی در دانشجویان پرستاری، *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۳ (۵)، ۳۶-۳۱.
- نوردبی، و و هال، ک (۱۹۷۴). *راهنمای زندگی‌نامه و نظریه‌های روان‌شناسان بزرگ*، احمد به‌پژوه، (۱۳۸۶)، تهران، منادی تربیت.

Besharat, M. A, Azizi, A. & Poursharifi, H, (2011). The relationship between parenting styles and children's perfectionism in a sample of Iranian families, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 15, 1276-1279.

- Coplan, R. J, Hastings, P. D, Lagace – Seguin, D. G. & Moulton, G. E, (2002). Authoritative and authoritarian mother's parenting goals, attributions, and emotions across different childrearing contexts *Parenting, Science and Practice*, 2, 1-26.
- Enns, M. W., Cox, B. J, & Clara, I, (2002). Adaptive and maladaptive perfectionism: Developmental origins and association with depression proneness. *Personality and Individual Differences*, 33, 921–935.
- Flett, G. L, & Hewitt, P. L, (2006). Positive and negative perfectionism in psychopathology: A comment on Slade and Owens's dual process model. *Behavior Modification*, 30, 472-495.
- Flett, G. L., Blankstein, K. R, & Hewitt, P. L, (2009). Perfectionism, Performance, and State Positive Affect and Negative Affect After a Classroom Test, *Canadian Journal of School Psychology*, 24, 4-19.
- Grolnick, W, & Ryan, R. (1989). Parent Styles Associated With Self- Regulation and Competence in School, *Journal of Educational Psychology*, 81(2), 143-154.
- Grolnick, W., Deci, E.L, & Ryan, R. (1997). Internalization Within Family: The Self-Determination Theory. In Grusec JE, Kaczynski L. *Parenting and Children's Internalization of Values: A Handbook of Contemporary Theory*. New York: Wiley Press.
- Hewitt, P. L. & Flett, G. L, (1991a). Perfectionism in the self and social contexts: Conceptualization, assessment, and association with psychopathology, *Journal of Personality and Social Psychology*, 60(3), 456-470.
- Hewitt, P. L. & Flett, G. L, (1991b). Dimensions of perfectionism in unipolar depression, *Journal of Abnormal Psychology*, 100, 98- 101.
- Hewitt, P. L, Caelian, C. F, Flett, G.L, Sherry, S. B, Collins, L. & Carol A. Flynn, C. A, (2002). Perfectionism in children: associations with depression, anxiety, and anger, *Personality and Individual Differences*, 32, 1049–1061.
- Kim, K., & Rohner, R. P. (2002). Parental warmth, control, and involvement are schooling predicting academic achievement among Korean American adolescents. *Journal of Cross – Cultural Psychology*, 33, 127- 140.
- Leung, C. Y, McBride- Chang, C. & Lai, B. P, (2004). Relation among Maternal Styles, Academic Competence, and Life Satisfaction in Chinese Early Adolescents, *Journal of Early Adolescence*. 24(2), 113-143.
- Miller, A. L, Lambert, A. D. & Speirs Neumeister, K. L. (2012). Parenting style, perfectionism, and creativity in high-ability and high-achieving young adults. *Journal for the Education of the Gifted*, 35,344-365.
- Ryan R, Deci E. (2000a). Self-determination theory and facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *Am psycho*, 55(1), 68-78.
- Ryan R, Deci E. (2000b). Intrinsic and extrinsic motivation: Classic definition and new directions. *Contemp Educ Psychol*, 25, 54 -67.
- Weiner, B. A. & Carton, J. S. (2012). Avoidant coping: A mediator of maladaptive perfectionism and test anxiety. *Personality and Individual Differences*, 52(5), 632-636.